



بایسته‌های تبلیغ دین

ضرورت تولید ادبیات پیروزی در تبلیغ دین

علیرضا پناهیان
به مناسبت پیروزی جبهه مقاومت



پناهیان
Panahian.net

@Hawzah_Panahian

توضیح:

این جزوه حاوی متن دو سخنرانی علیرضا پناهیان است.

ارائه شده توسط کانال تخصصی حوزه و تبلیغ علیرضا پناهیان

تهیه و تنظیم: رضا رضای رحمتی ، علی حیدری

@Hawzah_Panahian

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۳ قدرت خودمان را باور کنیم!
- ۴ ادبیات ما متناسب با دوران اقتدار اسلام نیست!
- ۶ ادبیات دوران غربت و مظلومیت را کنار بگذاریم
- ۷ باید از قدرت جبهه حق سخن گفت
- ۸ قدرت بخشیدن به مؤمنین، خط و روش قرآن است
- ۸ ما بلد نیستیم قدرت نمایی بکنیم
- ۹ ادبیات قدرت و روحیه بخشیدن

ضرورت تولید ادبیات پیروزی

ادبیات حزب‌اللهی‌ها و مذهبی‌ها برای حکایت نصر و فتح، رقیق و ضعیف است در حالی که ما دائم باید با بیان‌ها و روش‌های مختلف بر طبل پیروزی‌ها بکوبیم
قدرت خودمان را باور کنیم!

ما (شیعیان) ۱۴۰۰ سال است که غریب بوده‌ایم، مظلوم بوده‌ایم و در اقلیت بودیم. لذا بیشتر برای حفظ خودمان و فرزندانمان تلاش می‌کردیم. اما الآن در معرض ادارهٔ عالم قرار گرفته‌ایم، الآن قوی‌تر هستیم، آیا باورمان می‌شود؟ «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (محمد/۳۵) تحقق پیدا کرده و شاخصه‌هایش آشکار شده است. مثلاً ارتش منطقه‌ای ما از ناتو-که یک ارتش منطقه‌ای در اروپاست- قوی‌تر است.

امروز قدرت ما بیشتر است؛ هرچند ممکن است ثروت و تکنولوژی ما بیشتر نباشد، ولی ما در یک موقعیت جهانی قرار داریم و در مجموع، شرایطی فراهم آمده است که قدرت ما را بیشتر کرده است.

چرا ما هنوز خودمان را اقلیت می‌دانیم؟ چرا خودمان را ضعیف می‌دانیم؟ ما قدرتمند هستیم، ما برتر هستیم. اولاً باید این حس اقتدار را پیدا کنیم. باید احساس غرور و پیروزی داشته باشیم. ثانیاً با آمار و اسناد و مدارک، برتری خودمان را ببینیم و این قدرت را درک کنیم. باید بدانیم که عوامل فراهم‌آورنده این قدرت چیست؟ مثلاً امروز کدام رهبری در جهان این قدر محبوبیت و قدرت دارد؟! اخیراً دیدید که رئیس‌جمهور ما شروع کرد به تهدید کردن غربی‌ها که اگر بنا باشد نفت ما صادر نشود، نفت دیگران هم از خلیج فارس نخواهد رفت!

ادبیات ما متناسب با دوران اقتدار اسلام نیست!

اما با وجود این قدرتی که داریم، ادبیات ما متناسب با ادبیات دوران قدرتمندی و عزتمندی اسلام نیست؛ ما هنوز بلد نیستیم جشن پیروزی بگیریم! حتی روضه‌های ما هم باید فرق کند، دیگر نباید مثل دوران غربت اسلام، روضه‌های غریبانه برای اباعبدالله الحسین (ع) بخوانیم. نوع مناجات و صدازدن ما برای یاد کردن از

امام‌زمان (ع) هم باید فرق بکند؛ دعای ندبه در این زمینه از ما جلوتر است!

بعضی وقت‌ها اظهار غربت‌ها و اظهار مظلومیت‌های ما، به‌گونه‌ای است که آدم فکر می‌کند ما هنوز در هزارسال پیش داریم زندگی می‌کنیم؛ حتی قبل از آل‌بویه! یعنی در دورانی که شیعیان در اوج غرب بودند! این چه مناجاتی است؟ شما الآن باید در حال مدیریت کردن جهان باشید! مناجات و ادبیات شما هم باید متناسب با همین دوارن باشد.

ما باید از ادبیات اقتدار، زیاد استفاده کنیم. ما هنوز بلد نیستیم سروده‌ها و اشعاری داشته باشیم که این اقتدار را به زیبایی ترسیم کند تا از آن لذت ببریم. «يَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا» را رقم بزنیم! امروز فرح و سرور مولای ما امام‌زمان (ع) از قدرتی که اسلام پیدا کرده چقدر است؟ این عزتی که اسلام پیدا کرده، چقدر شیرین است؟

خداوند در آخرین آیهٔ سورهٔ محمد (ص) چنین می‌فرماید: اگر از فرمان او روی بگردانید به‌جای شما گروه دیگری را می‌آورد که مانند شما نخواهند بود! «...وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد/۳۸) آنها دیگر مثل شما نخواهند بود. ان‌شاءالله که ما (به‌طور عام) و این نیروهای مقاومت در منطقه، همان‌هایی باشیم که خداوند در این آیه اشاره کرده است.

ادبیات دوران غربت و مظلومیت را کنار بگذاریم

ادبیات دوران غربت را کنار بگذاریم؛ حتی ما از شهدا هم نباید غریبانه حرف بزنیم. ما الآن در اوج اقتدار هستیم! الآن مشکل ما سر این است که چرا بعضی‌ها می‌خواهند بُردهای ما را کاهش بدهند! کسی که جهان را گرفته است، الان چه قیافه‌ای باید بگیرد؟ چه حسّی باید داشته باشد؟ این حسّ هم یکی از گمشده‌های ما است و در ادبیات ما دیده نمی‌شود!

متأسفانه همه‌اش در موضع انفعال هستیم! هنوز داریم می‌گوییم: «این دل تنگم غصه‌ها دارد، گویا میل کربلا دارد!» این دیگر چه حرفی است؟! الان که راه کربلا باز است، خُب به زیارت بروید! الآن باید ادبیات ما این‌طور باشد: «حسین جان، ما تو را جهانی کرده‌ایم؛ برخیز و ببین! ما نه تنها از کنار حرم تو بر نمی‌گردیم، بلکه همهٔ اهل عالم را دور حرم تو جمع می‌کنیم...» آیا ما بلد هستیم با این ادبیات، برای امام حسین (ع) شعر و نوحه بگوییم؟

رسول خدا (ص) فرمود: وقتی تعداد مظلومان نسبت به ظالمان بیشتر باشد، دیگر دعای مظلومان - در رفع ظلم - مستجاب نخواهد شد. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَسْتَجِيبُ لِلْمَظْلُومِينَ، مَا لَمْ يَكُونُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَإِذَا كَانُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ»^۱ چون

۱الفردوس/۱/۱۴۹/۵۳۸ (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ری شهری/ج ۱۰/ص ۲۷۹)

وقتی تعداد مظلومان بیشتر است، باید خودشان برخیزند و جلوی ظالمان را بگیرند.

الآن مشکل ما در واقع سرِ بهره‌برداری از این قدرت است. یعنی بحث می‌کنیم سرِ اینکه «چرا از این قدرت، درست بهره‌برداری نمی‌کنیم؟!» همه انتقادهای ما در همین محدوده است. البته درست است که باید حالتِ «خوف و رجاء» داشته باشیم؛ خوف اینکه «مبادا سستی کنیم و این انقلاب از دستمان برود» این هم یک فرض معقول است و انسانی که طلا و جواهرات بسیاری در کیفش دارد، باید بیشتر مراقبت کند که مبادا دزد، اینها را بزند. اما یک حس خوبی هم دارد که «من این همه طلا و جواهرات دارم!» این احساس اقتدار و این احساس قدرت و پیروزی، چیزی است که در ادبیات ما و در گفتگوهای ما کم است و ما واقعاً در این زمینه ضعف داریم که باید جبران کنیم.

باید از قدرت جبهه حق سخن گفت

ادبیات قرآن، ادبیات فتح و پیروزی است. مثلاً یکی از روش‌های قرآن کریم، ترساندن دشمن است. می‌فرماید: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) دشمن یعنی هسته اصلی کفر. حالا این کفر در وجود هر کسی ممکن است وجود داشته باشد؛ البته ایادی یا مناشی اصلی‌اش در خارج و اصل استکبار است. ترساندن دشمن،

خیلی اهمیت دارد. ما در دوران دفاع مقدس، از این اصل مهم، در متن جنگ استفاده می کردیم که امام و مقام معظم رهبری در این باره پیشتاز و معمولاً تک تاز بودند و هر موقع مسئولین ما و کسانی که اهل تبلیغ هستند در این زمینه ضعف نشان دادند، ما خیلی هزینه دادیم.

قدرت بخشیدن به مؤمنین، خط و روش قرآن است

از قدرت جبهه حق سخن بگویید تا احساس رعب در دل دشمن پدید بیاید، احساس محبت نسبت به جبهه حق پدید بیاید، احساس قدرت و امنیت پدید بیاید، این قدرت بخشیدن به مؤمنین هم خط و روش قرآن است. مثلاً می فرماید: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) یا می فرماید: شما اگر بیست نفر باشید می توانید بر دویست نفر از کافران غلبه کنید. «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (انفال، ۶۵) یا می فرماید: خانه آنها خانه عنکبوت است «كَمْثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا» (عنکبوت، ۴۱)

ما بلد نیستیم قدرت نمایی نکنیم

ما بلد نیستیم قدرت نمایی نکنیم. سروده هایمان همه اش یا دم از مظلومیت است، یا اینکه می خواهیم خودمان را فدا کنیم. اصلاً

ادبیات قدرتمندانه بلد نیستیم. من خواهش می‌کنم یک کمی از این ادبیاتِ توأم با ضعف و مظلومیت، فاصله بگیریم و برویم با ادبیات فردوسی و با ادبیات شاهنامه ارتباط برقرار کنیم. می‌گویند ژن ایرانی‌ها ژنی است که شجاعت در آن بیشتر از اقوام دیگر هست و برای این حرف، بررسی‌های علمی انجام شده است.

ادبیات قدرت و روحیه‌بخشیدن

از قدرتمندی جبههٔ حق باید صحبت کنیم، مثل حضرت امام که می‌فرمود: «من با اطمینان می‌گویم؛ اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشانند... و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۵) یا مثلاً مقام معظم رهبری می‌فرماید که ما همین الآن، قدرتمندتر از کشورهای دیگر هستیم. ما به جای شادی کردن به خاطر این قدرت و نشاط دادن به دل‌ها از این قدرت، حرف‌های دیگری می‌زنیم و راه‌های دیگری می‌رویم. نباید منفی‌بافی و احساس ضعف در صحبت‌های ما باشد. ادبیات قدرت و روحیه‌بخشیدن یک ادبیات دیگری است.